

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# بمونی زاده

آشنایی با علوم قرآن

استاد مربوطه: جناب آقای دکتر بچاری

تهیه کننده: اعظم بمونی زاده

## منابع علوم قرآن:

علم الرسم العثماني - علم اعراب القرآن از ابو القاسم دوئلی - مقدمه البیان از خوبی - تمهید معرفت - البرهان  
زرکشی - الاتقان سیوطی - اعجاز بلاغی مجیدی - اسباب نزول مجیدی - تاریخ قرآن زنجانی - علوم قرآن  
صبحی صالح - مناهل العرفان زرقانی - علوم قرآن حبیب الله طاهری - علوم قرآن جامعه المصطفی - پژوهشی  
در قرآن حجتی

انواع نزول ۱- نزول دفعی: بر دل پیامبر (ص) قرآن نازل شده اما نمی توانست (اجازه) نقل آن را نداشت.

۲- نزول تدریجی: به مرور زمان طی ۲۳ سال.

# بهبودی زانده

پیامبر (ص) در قضاوت علم غیب دارد ولی بر زبان جاری نمی کند بلکه ظواهر را نگاه می کند.

حکمت نزول تدریجی قرآن:

الف: مقتضیات و حوادث طول زمان

ب: تقویت پایداری پیغمبر (ص) درمورد تهدید و تطمیع

ج: سهولت حفظ قرآن به دلیل امی بودن پیغمبر و مسلمانان و عدم نوشتن

د: آماده سازی مردم برای پذیرش احکام شرعی مانند حرمت خمر با توجه به آیه ۲۱۹ بقره ، ۶۷ سوره نحل، ۴۳

سوره نساء، ۹۰ و ۹۱ سوره مائده در چهار مرحله تحریم شد.

مرحله اول: خمر نفع و ضرر داره

دوم: ضررش بیشتره

سوم: نخورید بهتره

چهارم: حرام است. چون اگر یک مرتبه گفته می‌شد؛ مردم نمی‌پذیرفتند یا این مقدار تثبیت نمی‌شد یا فراموش می‌شود.

ذ: فرصت تفکر و تامل

جمع آوری قرآن:

فاتحه الكتاب (سوره حمد) در زمان پیغمبر (ص) اولین سوره‌ی قرآن بود لذا می‌توان گفت که ترتیب فعلی قرآن بر مبنای زمان پیغمبر (ص) است.

چون ۱- امام صادق (ع): از قول پیغمبر (ص) نقل می‌کند که ایشان حضرت علی (ع) را مأمور جمع آوری قرآن که بر روی حریر، سنگ، کاغذ، چوب نوشته شده بود را جمع آوری کند.

۲- خوارزمی از علمای اهل تسنن و هم چنین حاکم و تبرانی و ابن عساکر می‌گویند: که قرآن به همین صورت موجود زمان پیغمبر (ص) جمع آوری شده بود و بعضی از نویسندگان عبارتند از: ابی ابن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوزید.

۳- ولی قرآن امر المومنین (ع) دارای تفسیر، توضیح، معانی لغت، شأن نزول و اسباب نزول و ... بود و در حاشیه ی قرآن نوشته شده اما مخالفین (خلفا) به بهانه این که علی (ع) قرآن را تحریف کرده است قرآن او را نپذیرفتند و الان نزد امام زمان است.

عثمان، برای جلوگیری از اختلاف قرائت‌ها اقدام به توحید مصاحف کرد. در نتیجه می‌توان گفت با توجه به مطالب فوق و حدیث ثقلین، جمع آوری قرآن در زمان پیغمبر اتفاق افتاد و امیر المؤمنین (ع) یکی از کتاب اصلی وحی بود .

### توحید مصاحف:

اولین کسی که قرآن را جمع آوری کرد حضرت علی (ع) به دستور پیامبر(ص) و سپس زید بن ثابت به دستور ابوبکر سپس ابن مسعود و ابی بن کعب و ابو موسی اشعری به جمع آوری قرآن پرداختند. عثمان با دیدن اختلاف قرائت‌ها دستور داد که هر کس هر چیزی از قرآن در دست دارد آن را تحویل دهد گروهی را به تطبیق این قرآن‌ها معین و پس از جمع آوری یک قرآن بقیه را آتش زده و مردم را مجبور به قرائت از روی قرآن نمود که حضرت علی (ع) نیز آن را تایید نمود و اگر نسخه‌ای غیر از آن در دست کسی پیدا می‌شد و یا از روی قرآنی دیگر تلاوت صورت می‌گرفت به شدت با او برخورد صورت شده و به شلاق و تبعید در انتظار او بود و این مسئله تحت عنوان توحید مصاحف نامیده شد ( یکی شدن مصحف‌ها ).

قرآن امیرالمومنین (ع) به ترتیب نزول بود یعنی آیات مکی بعد مدنی و آیات منسوخ بر ناسخ مقدم بود و مقداری نیز به اسباب شأن نزول و زمان و مکان نزول نیز پرداخته شده است.

ویژگی‌های قرآن غیر امیرالمومنین (ع): ۱- تقدیم سوره‌های بلند (طوال) بر سوره‌های کوتاه ( بقره، ال عمران،

نساء، مائده، انعام، اعراف و یونس )

۲- مئین یعنی سوره هایی که از ۱۰۰ آیه بیشتر دارند که ۱۲ سوره می باشند ( انفال، براءت، نمل، هود، یوسف، کهف، اسراء، انبیاء، طه، مؤمنون، شعراء و صافات )

۳- مثنائی: سوره هایی که عدد آیات آنها کمتر از ۱۰۰ آیه باشد که ۲۰ سوره می باشند.

۴- حوامیم: یعنی سوره هایی که با (حاء - میم) شروع می شوند.

۵- مفصلات: (کوتاه - کوتاه) که از سوره الرحمن شروع می شود تا آخر (سور صغار) (فاصله دار با مطالب زیاد) : سوره های کوچک قرآن که دارای موضوعات مختلف فراوان در عین کنار هم بودن است.

## نزول قرآن :

بنابر روایاتی پیامبر (ص) از سن ۳۷ سالگی خواب می دید که جبرئیل می گوید یا رسول الله در حالی که او چوپان بود به غار حرا می رفت و عبادت می کرد و سپس حضرت علی (ع) و حضرت خدیجه و جعفر برادر امیر المومنین (ع) و زید بن حارثه (پسر خوانده ایشان) به او ایمان آورده و نطفه اسلام بسته شد. در تفسیر امام حسن عسکری (ع) آمده است که پیغمبر (ع) هر روز به غار حرا رفته و در آنجا عبادت می کرده و سپس به پیغمبری منسوب و مبعوث شده ولی دشمن تهمت جنون به او زد .

ان الدین عند الله الاسلام ... پس ادیان قبل مثل مسیحیت تکمیل کننده اسلام و زمینه سازی برای پذیرش اسلام بودند. عبدالله و عبدالمطلب کلید دار خانه خدا بودند.

روز مبعث: رأی صحیح روز ۲۷ رجب است که در روایات آمده است اما روز مبعث با روز نزول قرآن لزومی ندارد که یکی باشد چون پیغمبر پیامبر شده بود ولی تا ۳ سال اجازه دعوت تبلیغ علنی نداشت و بعد از ۳ سال دعوت

علنی را شروع کرد بعد از آن قرآن بر پیامبر (ص) نازل شد و آن را بر روی پوست و چوب می‌نوشتند و اگر بگوییم نزول قرآن در ماه رمضان بود اشکالی ندارد.

**نزول بعثت دفعی و تدریجی:** اولین آیه ای که نازل شد (۱ الی ۵) سوره علق و بقیه بعد از مدتی تعطیلی نازل شدند. اولین سوره کاملی که نازل شد: سوره حمد بود که به آن فاتحه الکتاب نام دارد. آخرین سوره سوره نصر بود گرچه بعضی‌ها قائلند که سوره براءت است و برخی آیات غدیر را آخرین سوره می‌گویند (الیوم اکملت بکم دینکم (

شان نزول: یعنی چیزی که بخشی از قرآن برای آن نازل شده است که جهت توضیح یا جهت عبرت است.

سبب نزول: مخصوص واقعه زمان نزول برای حل مشکل است و ولی شأن نزول اعم از واقعه زمان نزول و با زمان گذشته است مثل داستان ابرهه.

عبارت‌های (نزلت آیه فی ...) (نزلت آیه فی شان ...) برای بیان شأن و سبب نزول است به ترتیب. لذا نسبت بین این دو از نظر مفهومی، تبیین و از نظر مصداقی عموم و خصوص من وجه است.

نسبت اربعه: تساوی - تباین ضد عموم خصوص مطلق - عموم خصوص من وجه

عبارت‌های نزلت الایه فی ... - یا نزلت الیه فی شان ... برای بیان شأن و سبب نزول است. لذا نسبت بین این دو از نظر مفهومی تباین و از نظر مصداقی عموم و خصوص من وجه است. یعنی ۱- بعضی امور هم سبب نزول‌اند و هم شأن نزول مانند آیه ۲۰۷ سوره بقره در مورد فداکاری امیر المومنین (ع) در ليله المبيت ۲- بعضی از امور فقط شأن نزول‌اند مانند داستان ابرهه (سوره فیل) ۳- بعضی از امور فقط سبب نزول‌اند مانند انگشتر دادن علی (ع) به فقیر (آیه ۵۵ سوره مائده)

منابع اسباب نزول: اسباب نزول علی بن مدینی؛ اسباب نزول واحدی نیشابوری؛ الاتقان سیوطی؛ التمهید  
معرفت و اسباب نزول دکتر حجتی کرمانی

### فواید اسباب نزول:

- ۱- دست یابی به حکمت تشریح برخی از احکام
- ۲- تخصیص حکم به سبب نزول
- ۳- احتمال تخصیص عام با اعتنا از سبب نزول مثل جنگ احد
- ۴- آگاهی از معنای آیه
- ۵- دفع توهم حصر مانند آیه ۱۴۵ سوره انعام ( فقط حرام ها اینها نیستند چیزهای دیگر هم هستند.
- ۶- شناخت مصداق عینی آیات مانند آیه ۱۷ سوره احقاف

### قرینه بودن سبب نزول:

قرینه: اولین چیزی که به ذهن می‌رسد یعنی معنا را تقریب به ذهن می‌کند. (مانند شیر)  
سبب نزول از اموری است که آیات قرآن در آن اوضاع و احوال نازل شده لذا باید مورد توجه قرار گرفته تا آیات را  
بهتر بفهمیم.

### راه یابی به اسباب نزول:

راه یابی به این کار سخت است چون شأن نزول در زمان نزول ثبت و ضبط شده است زیرا سند این روایات ضعیف  
است و احمد بن حنبل می‌گوید روایاتی که راجع به روایات سدر اسلام و فتنه آخر الزمان تفسیر و تأویل یافته  
است اعتبار چندانی ندارد اگر چه زرکشی قائل به رأی اکثریت است و واحدی می‌گوید فقط روایات شاهد حادثه  
معتبر می‌باشد پیغمبر نیز می‌فرماید فقط حدیثی را از من نقل کنید که می‌دانید از من است و در این راستا  
سیوطی ۲۵۰ روایت اعم از صحیح و ثقیل نقل می‌کنند اما شیعه ۴ هزار حدیث دارد.

### راه اشراف به صحت و سقم احادیث:

از امام صادق (ع): هر یک از ما چهارده معصوم یا مقتول یا مسموم می شویم.

یک طایفه کوچک قبل از جاهلیت دختران را زنده به گور می کردند زیرا دختر را ناموس می دانستند که اگر به دست دشمن بیافتد بی ابرو می شویم به خاطر همین دختران را زنده به گور می کردند پس شامل همه ی افراد جاهلیت نمی شود.

تنزیل = علت نزول = اسباب نزول

تنزیل به معنای نازل شدن است به معنای نازل شدن برای چه ندارد بنابراین می گویند برای اسباب نزول و علت نزول مناسب نیست.

سقم: نادرست

صحت: درست

سقم به دلیل ۱- دلسوزی: به علت ارادتی که به معصوم داشته حدیث سقم و جعل می کردند . ۲- نابودی (یهود و سنی): برای نابودی شیعه احادیث را جعل کرده اند.

کتاب اربعماه: ۴۰۰ کتاب، نوشته، نامه از قول معصومین (ع) بوده که احادیث جعلی (اسرائیلیات) در آن آمده است. که علما این ۴۰۰ کتاب را به ۴ کتاب تبدیل کردند. کافی، من لا یحضر الفقیه، تهذیب، استبصار  
عقل: ۱- عقل کل: شامل معصومین است که همه چیز را می دانستند.

۲- عقل نوعی: این که اکثر مردم چه می گویند عقل نوعی است و مربوط می شود به شر مطابق با فهم اکثر افراد.

۱- صحت سند مخصوصا وصل به معصوم یا صحابی مورد اعتماد. مثال: عن علی عن تقی عن زراره عن امام باقر (ع) زمانی که بین عن ها .... نباشد سند صحیح است. به شرطی که بررسی کنیم همه ی نقل کننده ها جاعل (سنی، یهودی، ....) نباشند.

مرعشی نجفی اجازه روایت داد به فرزندش

۲- تواتر: از اول تا حالا در تمام زمان ها و همه طبقات.

۳- روایتی که به طور قطعی رفع اشکال کند صحیح و آلا سقیم است یعنی از روایتی که به ما گفتند هیچ سوالی برایمان پیش نیاید.



عموم آیات معیار استنباط حکم است نه خاص بودن سبب نزول مثل آیه ضظهار ، مجادله (۱ تا ۵) راجع به سلمه بن صغر است.

گاهی سبب نزول خاص موجب نیکویی سیاق می شود مانند آیه (۵۱ تا ۵۷) سوره نساء در مورد کعب بن اشرف یهودی که مشرکان بدر را برای انتقام تشویق می کردند.

منابع سبب نزول: روایت صحابی یا تابعان است ولی نمی توان سبب نزول را از غیر شاهدان و یا روایت صحیح قبول کرد هم چنین وجود قرائن و شواهد می تواند ما را در رسیدن به سبب نزول واقعی کمک کند.

صحابه ۱- شیعه: یار و یاور پیامبر ۲- سنی: هر کسی در زمان پیامبر زندگی می کرده و پیامبر را ولو یک لحظه آن هم از راه دور دیده باشد.

خالد بن ولید: فرمانروایان شجاع عمر و ابو بکر بودند.

مالک بن نویره توسط خالد بن ولید از اصحاب پیامبر (ص) کشته شد و همان شب خالد بن ولید با زن مالک ازدواج کرد و گفتند چون اجازه نداده بود عده بگذرد گفتند باید اعدام شود ولی چون سنی ها طبق تعریف صحابه می گویند هر کس یار پیامبر باشد عمدا گناه نمی کند سهوا بوده و اعدام نباید شود.

**اسباب نزول متعدد:**

ذکر اسباب نزول متعدد برای یک آیه اشکالی ندارد. معمولا با اصطلاح نزلت فی کذا (یعنی نازل شده در مورد ...) که این لفظ تفسیر و بیان مصداق را ذکر می کند و اگر با الفاظ آیه مخالفت نداشته باشد اشکالی ندارد. مثل آیه غدیر ۲۸ شأن و سبب نزول برای آن ذکر شده است.

انگشتر دادن امام علی (ع) در نماز چند شأن نزول دارد.

**حکم روایت تابعان:**

تابعان: صحابی را دیدند ولی پیامبر(ص) را ندیدند و ممکن است هم عصر پیامبر(ص) هم باشند.

خدا، پیامبر(ص)، صحابی، تابعان، تابعان تابعان

روایات مسند صحابی اگر از تابعین نقل شود مرفوع (بین افراد چند نفر افتاده اند) مرسل (بین طبقات چند نفر افتاده اند) می گویند.

شرایط قبول مرفوع مرسل: ۱- سند روایت تا فرد تابعی مرسل باشد

۲- تابعی تفسیر را از صحابه گرفته باشد.

۳- تقویت روایت با روایات مرسل دیگر.

### رابطه اسباب نزول با تناسب میان آیات :

سبب نزول و فردی که آیه در مورد او نازل شده است تحت حکم عام آیه است و اگر سبب خاصی در کنار سبب عام قرار گیرد جهت حفظ نظم و سیاق قابل قبول است و چون حد وسط مصداق عام است.

مثل آیات ۵۱ تا ۵۷ سوره نساء که در مورد کعب بن اشرف یهودی نازل شده است و مشرکان را از پیامبر (ص) هدایت یافته تر می‌داند.

**وجوه و نظائر:** چند معنایی مثلاً سجده (س ج د) « والنجم والشجر يسجدان »

کتاب شناسی: کتاب‌هایی که در زمینه موضوع ما نوشته شده ولی ما استفاده نکردیم

کتاب نامه: کتاب‌هایی که در زمینه موضوع ما استفاده کرده ایم.

منابع کتاب شناسی: وجوه و نظائر ۱- مقاتل بن سلیمان ۲- ابن جوزی ۳- دامغانی ۴- مصری ۵- ابن فارس ۶- سیوطی

وجوه: یعنی لفظ مشترک و نظائر یعنی الفاظ قریب المعنا و شبه مترادف و به عبارتی نظائر یعنی ناظر به لفظ و وجوه یعنی ناظر به معنا.

وجوه و نظائر یعنی کلمه واحده با لفظ واحد و حرکت واحد که در موضعی در قرآن تکرار شده است و در هر تکرار معنای خاصی دارد، که در این صورت به لفظ تکرار شده نظائر و به معنای متعدد آن وجوه می‌گویند پس نظائر اسم الفاظ و وجوه اسم معناست. مثل لفظ الهدی و مشتقات آن که ۱۷ معنا در قرآن دارد.

مثل لفظ بیان، دین، ایمان، داعی، رسل، کتب، معرفت ارشاد، محمد (ص)، قرآن تورات، استرجاع، محبت، توحید، سنت، اصلاح، الهام، توبه

وجوه لفظ مشترکی است که در چند معنا به کار می‌رود مثل امت. ان ابراهیم کان امه.

نظائر الفاظ متساوی‌اند لذا وجوه و نظائر هر دو به لفظ مرتبند یکی به لفظ مشترک و یکی به لفظ متساوی، در نتیجه مراد از وجوه موضوع له کلمه نیست. مستعمل فیه است (یعنی معنایی که مورد استعمال است). یعنی معنای منصرف به ذهن چه آن معنا حقیقی باشد یا معنا مجازی باشد، استعاره‌ای باشد یا کنایه‌ای، مشترک لفظی باشد یا معنوی مثل صلاه که به معنای درود است یعنی حقیقت لغوی است حجاز شرعی و معنای نماز یعنی حقیقت شرعی مجاز لغوی، پس مراد وضع یک لفظ برای چند معنا نیست بلکه به تناسب به حکم موضوع و به قرینه سیاق و مورد در هر جا معنایی استعمال شده که غیر از معانی دیگر است.

### کاتبان وحی:

تعداد کاتبان را ۴۵ نفر نیز ذکر کرده‌اند که ۲۱ نفر آن مکی و ۲۴ نفر آن در مدینه. مانند خلفای اربعه، طلحه، زبیر، ابوبکر، عمر، عثمان، حضرت علی (ع)، سعد بن ابی وقاص، مصعب بن عمیر، ابی بن کعب، زید بن ثابت، محمد بن مسلم، ابو سفیان، پسرانش یزید و معاویه از این تعداد بر امیر المومنین (ع) معاذ بن جبل، ابی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود اتفاق نظر دارند. بعضی از این افراد به کتابت‌های دیگر مانند نامه‌نگاری اشتغال داشتند که نام آنها را جزء کاتبان وحی ذکر کردند.

### اولین کاتب وحی:

اولین کاتب وحی در مکه عبدالله بن سعد بن ابی سرح - در مدینه ابی بن

کعب است. گرچه مقدم ترازهمه ی این ها امیر المومنین (ع) است.

قائلین به تحریف کیفیت جمع آوری قرآن را قانداست مستلزم وقوع تحریف می‌دانند و خیال می‌کنند پس از شهادت ۷۰ نفر از حافظان کل قرآن در جنگ بئر معونه و ۴۰۰ نفر در جنگ یمامه، حفظ قرآن کار دشواری است و لذا به دستور ابوبکر و توسط عمرو وزید بن ثابت قرآن جمع آوری شد و شرط ثبت و ضبط شهادت ۲۰ نفر بود. چون ۱- اگر جمع کننده معصوم نباشد تحریف قهری است (یعنی حتمی است). ۲- در صورت عدم ۲ شاهد آیه مورد قبول نمی‌باشد مثل آیات آخر سوره توبه که فقط نزد ابو خزیمه انصاری که شهادت دادنش به اندازه شهادت دو نفر بود.

زید بن ثابت می‌گوید ابوبکر مرا مأمور جمع آوری قرآن کرد من هم این کار را کرده و به او سپرده او نیز به عمر و عمر نیز به دست دخترش حفصه داد. و سپس عثمان از روی آن نسخه‌هایی را تکثیر و به کشورهای اسلامی فرستاد که این نسخه‌ها به خط نسخ و به لغت قریش بودند.

نسبت دادن جمع آوری قرآن به خلفاء امری بی اساس و مخالف کتاب سنت و عقل، اجماع است، بلکه که در زمان پیغمبر و به دستور ایشان جمع آوری شده است اگر می‌گویند در زمان ابوبکر جمع شده است. به معنای جمع

آوری آیات قطعی و متواتر و مأنوس با مسلمانان است. عقل سلیم: معصومین (ع) - عقل نوعی: اکثریت عثمان نیز از اختلاف قرائات پرهیز داد بلکه تا آن زمان قرآن به صورت یک مجموعه واحد تدوین نشده باشد بلکه عثمان از قرائت غیر محفوظ از پیغمبر جلوگیری کرد لذا کسی به او اعتراض نکرد. با این که او را حذاق المصاحف (سوزاننده قرآن‌ها) می‌خوانند.

### تکرار در قرآن:

در قرآن بعضی از آیات تکرار شده مانند یک آیه (فبأی آلاء ربکما تکذبان در سوره الرحمن) - ( یقولون متی هذا الوعد ۳بار ) - ( ویل یومئذ للمکذبین سوره مرسلان ) - داستان مهمانان حضرت ابراهیم (ع) - داستان حضرت آدم - داستان حضرت موسی (ع)

در این جا دو نظریه وجود دارد ۱- تکرار لفظ است نه معنا (یعنی وقتی قبل و بعد آیه مثلا (فبأی الاء ربکما تکذبان) را نگاه کنیم معنای جدیدی به دست می‌آید ۲- تکرار هست چون قرآن کتاب هدایت است و لذا گاهی لازم است تکرار شود مثل داستان مهمانان حضرت ابراهیم (ع) در یک جا آداب مهمانی و در جای دیگر وجود فرشتگان را بیان می‌کند و ضمن این که تکرار نشان دهنده اهمیت موضوع است.

اقسام تکرار: تکرار ۲ نوع است ۱- تکرار معنوی: مقصود از این تکرار، تکرار مفهومی مانند تکرار داستان حضرت ابراهیم که عبارات با مفاهیم مختلف تکرار شده است.

۲- تکرار لفظی که یا به صورت مفرد یا به صورت مرکب است که خود به انواع ذیل تقسیم می‌شود الف: گاهی

تکرار شامل یک جمله کامل می‌شود «وما ظلمونا و لکن کانوا أنفسههم یظلمون» آیه ۷۵ بقره که عینا در آیه ۱۶۰ اعراف تکرار شده است

ب: گاهی جمله تکراری کنار هم قرار گرفته است مانند «آیه ۲۷ سوره واقعه» اصحاب الیمین و ماصحاب الیمین  
ج: گاهی جمله در فواصل متعدد تکرار شده است مثل فبا الاء... در سوره الرحمن که ۳۱ بار در سوره الرحمن  
تکرار شده است.

**علت تکرار:** ۱: شرایط و مقتضیات سخن ضرورت تکرار می شود. چون گفته اند که در کلام فصیح تکرار می  
تواند موجب بلاغت بیشتر می شود.

۲- تکرار گاهی برای تأکید مطلب است مثل پدری که چند بار به بچه اش تذکر بدهد.

۱۵ مورد با موضوعات مختلف تکرار در قرآن وجود دارد.

نظرات مختلف راجع به تکرار: ۱- در قرآن تکرار وجود ندارد. چون در جمله ایی معنایی نهفته است.

۲- در قرآن تکرار وجود دارد ولی باید توجه داشت که قرآن تکرار بی جهت انجام نمی دهد بلکه به دلیل ضرورت  
و مصلحت است.

۳- چون قرآن کتاب قوانین و مقررات اجتماعی و هدایت بشر است و در طول ۲۳ سال نازل شده است تکرار یک چیز  
طبیعی است.  
**زبان عربی:**

علت نزول قرآن به زبان عربی: خداوند تبارک و تعالی در آیات ۲ سوره یونس و ۳۷ رعد و ۱۱۳ طه و ۲۸ زمر و  
۳ فصلت ۱۹۵ شعراء و ۱۰۳ نحل به عربی بودن قرآن اشاره می کند.

لفظ عربی یعنی سخن فصیح و روشن.

**علت نزول قرآن به زبان عربی:**

۱- وسعت معنایی زبان عربی ۲- زبان محل نزول ۳- نبود زبان مشترک در دنیا ۴- امکان تحدی به مثل آوردن ۵-

وسعت سرزمین ۶- تعصب عربها

علت تاکید قرآن بر عربی بودن خود:

۱- رد تهمت آموزش از عجم، آیه ۱۰۲ سوره نحل

۲- توان پردازش خوب داستانها

۳- لطافت زبان عربی (فصاحت و بلاغت)

۴- عدم امکان تحریف قرآن در ترجمه مانند کتاب مقدس

پیامبر (ص) فرمودند: احب العرب لثلاث: لانی عربی و القرآن عربی و لسان اهل الجنه عربی ( من عربی را به سه دلیل دوست دارم من عربم ، قرآن عربی است، زبان اهل بهشت هم عربی است )

در قرآن بعضی از کلمات به نظر می‌آید که عربی نباشد یا مشترک بین عربی و زبان‌های دیگر باشد و عده ای این بحث را با آب و تاب بیان کردند. در حالیکه خیلی نمی‌توان قائل به این نظریه بود چون عرب دارای لهجه‌های مختلف و متعدد است که ممکن است خداوند تبارک و تعالی از آن لهجه استفاده کرده باشد زیرا لغت اصلی قرآن به زبان قریش است و ممکن است بعضی‌ها که سایر لهجه‌های عربی را بلد نباشند تصور کنند که این الفاظ غیر عربی است. ضمن اینکه ممکن است لفظی عربی بوده باشد و به زبان دیگر منتقل شده یا در زبان دیگر مورد استفاده قرار گرفته و اکنون خداوند تبارک و تعالی آن را در قرآن آورده باشد. ولی برای مردم غریب است.

**محکم و متشابه:**  
آیات قرآن یا محکم‌اند یا متشابه که در آیه ۷ سوره آل عمران به این اشاره شده است.  
محکمت: مرجع و مصدر حل متشابهند و ابهامات را برطرف می‌کنند.  
متشابه: یعنی آیه ای که احتمال چند معنا در آن می‌رود مثل حروف مقطعه که معنای دقیق آنها مشخص نیست

بلکه معنای اجمالی به دست می‌آید و بعضی از مذاهب منحرف به دلیل برداشت بد از آیات متشابه تاسیس شده اند مثل «ید الله مع الجماعه» «یدالله فوق ایدیهم» این برای هدایت تمام بشریت آمده است چون انسانها دارای استعدادهای مختلف هستند لذا بعضی‌ها قدرک درک مسائل پیچیده را دارند و می‌توانند معانی آیات متشابه را کشف کنند. گرچه الفاظ الهی معنای بالاتری از الفاظ مادی دارند.

**وجود تشابه:**

وجود تشابه در قرآن یک امر طبیعی است چون قرآن مانند سخن گفتن انسانها دارای نکات ادبی، فنی، مجاز، استعاره، تشبیه، کنایه می‌باشد لذا اتفاق خاصی نیفتاده است.

بهترین مصداق آیات متشابه آیات متعلق به صفات خدا و ذات خداست.

علت اصلی عدم فهم متشابهات: ۱- عدم دقت در جوانب مختلف آیه ۲- عدم ارجاع متشابهات به محکمت است. ظاهر بعضی از آیاتی که راجع به عرش، کرسی، ید، وجه، رؤیت، وجیئی باعث شده است که فرق و مذاهب جسمیه بوجود آید زیرا زحمت ذره ای تعقل را به خود نداده اند و هر چیزی در رابطه با افعال خداوند و انسان بستگی به اراده خداوند از مفهوم اعمال دارد که اگر کسی توجه نکند باعث انحراف و شقاوت می‌گردد. زیرا هیچ جبر و تفویضی وجود ندارد بلکه همه اینها با عنایت و اراده پروردگار است.

حروف مقطعه: یعنی فواتح سور

بیست و نه سوره قرآن با حروف مقطعه آغاز شده و تقریباً همه منحصصان علوم قرآن در این زمینه بحث نموده اند که آرای شیعه و سنی (فریقین) به هم نزدیک است ولی هیچ کس رأی قاطعی ندارد. باید تلاش کرد که حقایق

بیشتر قرآنی کشف شود. ترکیب این حروف نزد شیعه بدون تکرار «صراط علی حق، صح طریقک مع السنه تعداد حروف ۷۸ حرف است که با حذف تکراری ها به اندازه نصف حروف الفبای عربی می‌شود که شیوه خواندن آن مثلاً در الم (الف لام میم) است. که معمولاً سرهم و به صورت یک کلمه نوشته می‌شود این حروف عبارتند از «الف - ج - ر - سین - صاد - طاء - ع - ق - ک - ل - م - نون - ه - ی».

علامه طباطبایی نظرات ذیل را مطرح و رد می‌نماید

۱ - حروفی عادی بدون معنی خاص

۲ - جزء اسرار غیر قابل درک قرآن

۳ - رمز بقای امت اسلامی

۴ - نام سوره

۵ - رمز اشاره و اسماء و صفات خداوند است

۶ - نام های خدا و سوگند او به نامهای خود

۷ - برای ساکت کردن کفار با آمدن یک چیز نامأنوس

۸ - نشانه ی کثرت به کار رفتن آن حروف در آن سوره .

نظریه علامه طباطبایی:

سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شود دارای محتوا و سیاقی مشابهند و به نظر می‌آید بین این حروف و محتوا رابطه‌ای وجود داشته باشد که این خود رمزی بین خدا و پیغمبر (ص) است که از دید ما پنهان است و بیش از این چیزی نمی‌توان گفت مثل سوره اعراف که با المص شروع می‌شود جامع محتوای سوره‌هایی است که الم و ص شروع می‌شود.

احتمالات فراوان دیگری نیز در این زمینه ذکر شده است که خلاصه این نظریات عبارتست از ۱- حروف مقطعه از متشابهات و غیر قابل حل می‌باشد ۲- رمزی است بین خدا و پیامبر (ص) ۳- دارای خاصیت آوایی برای جلب توجه دیگران.

### ناسخ و منسوخ:

نسخ یعنی حکم شرعی که حکم شرعی دیگر را نسخ می‌کند و از بین می‌برد چون امکان عمل به هر دو وجود ندارد.

فلسفه نسخ: تغییر شرایط و مصالح مخصوصا در ابتدای نزول در ادیان آسمانی موجب تغییر احکام است مانند تغییر نسخه بیمار.

هر حکمی سه نوع عموم دارد ۱- افرادی ۲- احوالی ۳- زمانی

مردم از مطلق بودن حکم دائمی بودن را استنباط می‌کنند و نسخ در واقع تخصیص در ازمان است. چون مردم گاهی نمی‌توانند عادت‌های یکباره ترک کنند. لذا خداوند تدریجا انجام می‌دهد مانند شرب خمر که در سه مرحله تبیین شد (آیات ۴۳ نساء، ۲۱۹ بقره، ۹۰ مائده) یا مثل قتال با کفار که در ۴ مرحله حکم نهایی صادر شد با توجه به آیات (۱۰۹ بقره ۱۹۴ بقره ۱۲۳ توبه ۱۹۱ بقره).

اقسام ناسخ:

۱- نسخ حکم واجب به وسیله حکم واجب دیگر لذا عمل کردن به حکم اول جایز نیست.

۲- نسخ حکم واجب به وسیله حکم و واجب دیگر ضمن وجوب عمل به حکم اول

۳- نسخ حکم مستحب به وسیله حکم واجب

۴- نسخ حکم واجب به وسیله حکم مستحب.



## انواع ناسخ :

۱- ناسخ قرآن فقط قرآن است (آیه ۱۰۶ بقره)

۲- سنت پیغمبر (ص) نیز می‌تواند ناسخ باشد (آیه ۴۳ سوره نجم)

۳- سخن پیغمبر (ص) اگر وحی باشد می‌تواند ناسخ شود ولی اگر از روی اجتهاد است ناسخ نیست.

## محدوده نسخ

محدوده نسخ فقط امر به معروف و نهی از منکر است اگر چه در غالب جمله خبری باشد و لذا نسخ در وعده وعید راه ندارد.

# بمونی زاده